

بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی در نظام اداری کشور

(با تاکید بر ادارات دولتی مشهد و تهران)^۱

محمدرضا جوادی یگانه^۲، مجید فولادیان^۳، حسن رضایی بحرآباد^۴

طبق آمارهای بین‌المللی و همچنین تحقیقات داخلی میزان قانون‌گرایی در ایران پایین است. مسئولان کشور نیز به بیش از حد بودن قانون‌گرایی در دستگاه‌ها و نظام اداری ایران اذعان دارند و آن را به عنوان یک آسیب مهم قلمداد می‌کنند. مقاله حاضر در صدد است ضمن سنجش میزان قانون‌گرایی، به بررسی عوامل مؤثر بر میزان قانون‌گرایی در نظام اداری کشور بپردازد. برای این مهم ابتدا بر اساس نظریات دورکیم، مرتن، تیلور و نظریه انتخاب عقلانی مدل نظری پژوهش ساخته شد. بر اساس این مدل فرضیات تحقیق صورت‌بندی شد و سپس با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسش‌نامه، فرضیات تحقیق مورد بررسی تجربی قرار گرفتند. جامعه آماری این تحقیق شامل «کلیه ادارات دولتی دو شهر تهران و مشهد» بوده است. در این تحقیق ابتدا با استفاده از «نمونه‌گیری قضاوتی» از میان ادارات دولتی کشور، ۴۹ اداره دولتی به عنوان نمونه انتخاب شدند. سپس با استفاده از نمونه‌گیری سهمیه‌ای از میان کارکنان ادارات فوق، ۱۲۳۸ نفر را بر حسب رده سازمانی انتخاب کردیم.

بر اساس نتایج، ضریب همبستگی چندگانه $M.R=0.603$ ، ضریب تعیین مساوی $R^2=0.364$ است و ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر ۰,۳۶۰ و بیانگر این مطلب است که تقریباً ۳۶ درصد از واریانس و تغییرات قانون‌گرایی را متغیرهای موجود در معادله تبیین می‌کنند. آمارهای موجود گویای این واقعیت است که متغیر «الزام آور بودن قواعد سازمانی» با بتای ۰,۳۷۰ بیشتر از همه متغیرهای مستقل دیگر به طور مستقیم بر قانون‌گرایی تأثیر

۱ این مقاله برگرفته از طرحی پژوهشی با همین عنوان است که با حمایت سازمان بازرسی کل کشور و به وسیله همین محققان انجام گرفته است.

۲ دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

۳ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

۴ دانشجوی دکتری توسعه اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد

می‌گذارد، جهت تأثیر این متغیر نیز مثبت و مستقیم بوده و بیانگر این مطلب است که با افزایش الزامات قواعد سازمانی، میزان قانون‌گرایی نیز افزایش پیدا می‌کند. بعد از متغیر الزام‌آور بودن قواعد سازمانی، متغیرهای «اعتماد»، «اولویت مسائل مادی در نظام ترجیحات» و «احساس رابطه مداری» به ترتیب با بتای ۰,۲۱۰، ۰,۲۵۹ و ۰,۱۹۰ - بیشترین تأثیر معنادار را بر قانون‌گرایی دارند.

کلیدواژه‌ها: قانون‌گرایی؛ الزام‌آور بودن قواعد سازمانی؛ اولویت مسائل مادی؛ احساس رابطه مداری؛ احساس خویشاوندگرایی

مقدمه و بیان مسئله

قانون از جمله پیچیده‌ترین مقوله‌هایی است که بشر در طول زیست خود بر روی کره خاکی با آن مواجه بوده است. در واقع زیر عنوان قانون است که نظم معنا پیدا کرده و انسان با دیگر هموعان خویش ارتباط و تعامل برقرار می‌کند. قانون به عنوان نمونه‌ای از قراردادهای اجتماعی، حوزه‌های مختلفی را در زندگی از قبیل اقتصاد، سیاست، حقوق، خانواده، کسب و کار و... در برمی‌گیرد. یکی از عوامل پیشرفت جوامع توسعه یافته وجود قوانین مدون، شفاف و صریح است. اگر قوانین، گنگ و نارسا و در هم‌پیچیده باشند و هر کدام دیگری را نقض کنند، در هیچ یک از حوزه‌های اجتماع نمی‌توان امیدوار بود که چنین قوانینی گره از مشکل فردی یا حتی خود نظام اداری باز کنند و ترقی و پیشرفت را به همراه آورند. اینکه انسان‌های بی شماری در یک مسیر تعریف شده گام برداشته و امور روزمره خود را انجام می‌دهند، خود متأثر از وجود قانون در جامعه است.

قانون‌گرایی به معنای ضابطه‌مند و قاعده‌مند بودن رفتارهای انسانی در قالب هنجارهای تدوین شده و مورد پذیرش اکثریت افراد جامعه و باعث تداوم و قوام جامعه است. قانون‌گرایی پیامدها، آثار و تبعات بسیار زیادی برای جامعه دارد و تحقق بسیاری از اهداف اجتماعی متضمن رعایت قوانین و مقررات است. به عنوان نمونه تحقق آزادی، اقتدار حاکمیت، عدالت اجتماعی، امنیت اجتماعی، هویت ملی، توسعه اجتماعی - سیاسی و بسیاری دیگر از اهداف اجتماعی را می‌توان نمونه‌هایی از این مدعا دانست (ن.ک: چلبی، ۱۳۷۵).

نهادمند شدن روابط در جامعه و یا به نوعی تحقق حاکمیت قانون در جامعه از شاخصه‌های جوامع توسعه یافته و از اهداف عمده توسعه سیاسی است. از این رو هنگامی که از حاکمیت قانون در جامعه، به معنای کلی آن، سخن به میان می‌آید، منظور حاکمیت ضوابط و اصولی است که از سطح خرد (فردی) تا سطح کلان (دولت و حکومت) جریان دارد؛ به بیان دیگر، شکل‌گیری و نهادینه شدن ساز و کارهایی برای حل منازعات و تنظیم روابط در درون ساخت جامعه.

حاکمیت قانون را می‌توان چنین تعریف کرد: «وجود زمینه‌های ذهنی و عینی برای تطبیق قانون و برتری قانون نسبت به تمام مراجع دیگر در جامعه» (ن.ک: کاتوزیان، ۱۳۶۶).

مهم‌ترین کارکرد قانون، تنظیم روابط میان دولت و شهروندان از سویی و شهروندان با هم از سوی دیگر است. با پیچیده‌تر شدن دو نوع تعامل یادشده، نقش قانون و بالطبع مفهوم حاکمیت قانون، برجسته‌تر و قابل ملاحظه‌تر شده است. ضمن آنکه در تمام جوامع، قضات از طریق قانون، تأمین کننده امنیت و آزادی هستند. قانون، تعیین معیارها و ضوابط ثابتی است که برای همگان ایجاد حق و تکلیف می‌کند و افراد جامعه بر اساس آن، روابط خود را تنظیم می‌کنند و به این ترتیب هرکس از حقوق خویش آگاه می‌شود. دستگاه‌های اجرایی کشور بر اساس قانون، حد و مرزها را تعیین و با ابزار و وسایل تسهیل کننده و یا بازدارنده، افراد و جامعه را به اجرای قانون دلالت می‌کنند. درست است که افراد و اجتماعات و نهادها، بالقوه مطیع قوانین حاکماند اما نباید فراموش کنیم که تخطی از قوانین همواره از سوی بسیاری از افراد جامعه انجام می‌شود (ن.ک: ویسی، ۱۳۸۲).

قانون‌گریزی نوعی جهت‌گیری نسبت به هنجارهای قانونی جامعه است که منجر به کج‌روی یا انحراف از قوانین می‌شود. در همه جوامع، قانون‌گریزی به عنوان یک مسئله اجتماعی وجود دارد. مقایسه رفتارهای اجتماعی ملت‌های مختلف، حکایت از آن دارد که این پدیده در میان برخی ملل، شدید و در برخی ضعیف است. در بعضی جوامع، پاره‌ای از قوانین آنچنان در عادات و رفتار مردم نهادینه شده‌اند که زیر پا گذاشتن یا گریز از آنها حیرت‌آور و حماقت تلقی می‌شود در حالی که برای برخی دیگر از جوامع، رعایت دقیق همان دسته از قوانین، عبث و کسالت‌آور است.

جامعه ما تجربه‌ای صد ساله در امر قانون‌گذاری دارد ولی در طول همین زمان، قانون‌گریزی را نیز تجربه کرده است. اینکه چرا ما ایرانیان علاقه به ادامه این تجربه داریم، در حوزه روانشناسی اجتماعی و حقوق و سیاست و حتی اخلاق و دین قابل بحث و بررسی است. چه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی پتانسیل قانون‌گریزی را در ما تقویت می‌کند؟ آیا قوانین ما متناسب با شرایط و نیازهای امروز ما نیست؟ یا ما عادت کرده‌ایم خود را متفاوت با دیگران یا فراتر از آنها دانسته و به اصطلاح قانون را برای دیگران خوب بدانیم؟

در تفکر بسیاری از افراد جامعه ما، قانون برای شکستن و نظم برای از بین بردن، تدوین و ایجاد شده است. تسلیم و شکسته شدن قانون در مقابل تصمیم و عملکرد قانون شکنان،

فاجعه‌ای تلخ و غیر قابل تحمل است که عواقب جبران ناپذیر آن در آینده نمود بیشتری پیدا خواهد کرد.

بجاست که نگاهی مستند به ابعاد مسئله قانون‌گریزی در ایران بیاندازیم: طبق آخرین گزارش سالانه «سازمان شفافیت بین‌المللی»^۱ کشور ما از لحاظ شاخص تشخیص فساد با کسب امتیاز ۲/۲ از ۱۰ نتوانست رتبه‌ای بهتر از ۱۴۶ در میان دیگر کشورهای جهان کسب کند. بر پایه این گزارش ایران در کنار کشورهایی همچون لیبی، نپال، یمن و هائیتی قرار گرفت. در میان کشورهای منطقه، قطر بالاترین رتبه را داراست و به ترتیب پس از آن امارات (۳۴)، بحرین (۴۶)، اردن (۵۳)، عمان (۵۳)، کویت (۶۰)، عربستان (۷۹)، لبنان (۹۹)، مصر (۱۰۵) و سپس ایران (۱۴۶) قرار گرفته‌اند. این در حالی است که رتبه ایران در سال‌های ۲۰۰۶، ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸، به ترتیب ۱۰۶، ۱۳۱ و ۱۴۱ بوده است. نتایج پژوهش‌ها و نظرسنجی‌های مختلف، نشان از سطح نسبتاً پایین قانون‌مداری در بین ایرانیان آن هم بنا به اظهار خودشان دارد. (ن.ک: کلانتری و دیگران، ۱۳۸۴. رضایی، ۱۳۸۳. علیخواه، ۱۳۸۲. عمرانی، ۱۳۸۶. محسنی، ۱۳۷۸). برای نمونه اشاره می‌شود به نظرسنجی مرکز پژوهش‌های صدا و سیما در سال‌های ۷۳ و ۷۷ و نیز پژوهش شورای فرهنگ عمومی تبریز در سال ۷۵ که میزان پایبندی به قانون را به ترتیب ۵۶، ۵۷ و ۵۷ درصد نشان می‌دهند.

حجت‌الاسلام والمسلمین پورمحمدی رئیس سازمان بازرسی کل کشور نیز بی‌انضباطی اجتماعی و عدم تقید به اجرای قانون را بیش از حد متعارف می‌داند (اخبار سازمان بازرسی کشور، ۱۵ آذر ۱۳۸۷). همچنین وی در همایش «قانون‌گریزی در ایران» گفته است:

۱ این سازمان در سال ۱۹۹۳ به عنوان یک سازمان غیردولتی در آلمان تأسیس شده و دارای یکصد شعبه در مناطق مختلف جهان است. سازمان شفافیت بین‌المللی هر سال گزارش‌هایی را در مورد شیوع و گستردگی فساد مالی و اداری در مناطق مختلف جهان تهیه می‌کند. این سازمان با شعار ائتلاف جهانی در برابر فساد، فهرستی از کشورهای جهان را ارائه داده و در آن به ارزیابی فساد اداری و مالی این کشورها در هر سال پرداخته است. بر پایه شاخص‌های ارائه شده از سوی این سازمان، همه کشورهای دنیا بر اساس میزان فساد مالی-اداری رتبه‌بندی شده‌اند. نتایج این شاخص ارقام بین صفر تا ۱۰ است که صفر نشان دهنده بیشترین سطح شاخص درک فساد و ۱۰ نشان دهنده کمترین سطح شاخص درک فساد است. (برگرفته از سایت سازمان شفافیت بین‌المللی، ۲۰۱۰)

الان مشکل جامعه ما این است که مقررات و قوانین چقدر مورد احترام قرار می‌گیرد؟ در دوران جدید به دلیل اینکه دیوان سالاری جدید و ساز و کارهای اداری رهاوردی وارداتی و ترجمه‌ای از غرب بوده، التزام نسبت به این قوانین عمیق نبوده و قانون‌گریزی و نظم‌گریزی به وجود آمده و تقویت شده است. ما در کل جامعه از رانت استفاده می‌کنیم، همه ما به نوعی رانت‌خوار هستیم و دعوا بر سر میزان رانت خواری است. جامعه رانتی بی‌انضباط است و عوامل محرکه‌ای دارد که پیمان شکنی و قانون شکنی ایجاد می‌کند (روزنامه جام جم، ۱۳ آذر ۱۳۸۷).

آنچه در سطور فوق آمد، حاکی از آمار نگران کننده قانون‌گریزی در کشور و به تبع آن هشدار و اعلام نگرانی مسئولان ذی‌ربط از ادامه وضع موجود است. چنین وضعیتی ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که باید چاره‌های اندیشید و در راستای تغییر وضع موجود به سوی وضع مطلوب یعنی پایبندی به قانون در همه جامعه تلاش کرد.

مقاله حاضر در صدد است ضمن سنجش میزان قانون‌گرایی در نظام اداری، به بررسی عوامل مؤثر بر میزان قانون‌گرایی (تمایل به رعایت قانون) در نظام اداری کشور بپردازد. ما در سطح جامعه با سه دسته هنجار مواجهیم؛ هنجارهای عرفی، اخلاقی و قانونی. ما در بخش هنجارهای قانونی مدرن با مشکل مواجهیم نه در بخشی که عرف و اخلاق تبدیل به قانون شده است. بنابراین قوانینی که بیشتر نقض می‌شوند و مسئله اجتماعی قانون‌گریزی را به وجود آورده‌اند، قوانین مربوط به حوزه‌های مدرن و روابط دولت و مردم است.

با توجه به آنچه ذکر شد می‌توان گفت مهمترین اهمیت و ضرورت پژوهش‌هایی مانند پژوهش حاضر، ارائه آمار و اطلاعات دقیق و شفاف از وضعیت قانون‌گرایی و قانون‌گریزی در کشور (در اینجا نظام اداری) به سازمان‌ها و نهادهای نظارتی کشور است. آگاهی از آنچه در بخش‌های تحت نظارت یک سازمان می‌گذرد، علاوه بر اینکه بازتابی از وضعیت فرآیند و برونداد آن سازمان است، شرط لازم برای هرگونه برنامه‌ریزی و نظارت دقیق و چاره‌اندیشی برای حل مشکلات فرارو است.

بنابراین با توجه به اهمیت اطلاع از میزان تمایل به قانون‌مداری ایرانیان در حوزه‌های

مدرن و بوروکراتیک مانند نظام اداری کشور، سوالات اساسی را که مقاله حاضر در پی پاسخ به آن است می‌توانیم چنین بیان کنیم:

۱. وضعیت موجود نظام اداری کشور به لحاظ قانون‌گرایی چگونه است؟
۲. عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی کارکنان نظام اداری چیستند؟

چارچوب نظری

در این قسمت به مرور مهم‌ترین نظریات مرتبط با موضوع تحقیق پرداخته خواهد شد و چگونگی استفاده از این مباحث تئوریک در حیطه موضوع تحقیق نیز طرح و بررسی می‌شود.

دورکیم در تعریف آنومی، آن را عدم التزام به قواعد اخلاقی می‌داند (مسترویچ، ۱۹۸۴: ۸۴، ۲۰۰۸: ۱۸۶-۱۸۱). این عدم التزام ناشی از کمرنگ شدن یا واضح نبودن این قواعد در جامعه است (ترنر، ۱۳۷۰: ۴۱۴-۴۱۲). منشأ اصلی این قواعد اخلاقی در طول حیات بشر دو عامل مهم سنت (مذهب) و عرف (قوانین عرفی) بوده‌اند (دورکیم، ۱۳۶۰: ۴۸-۴۹). دورکیم آنومی را در مورد جوامعی به کار می‌برد که به گفته او در دوران انتقال به سر می‌برند؛ یعنی جوامعی که در آن، مذهب و قوانین مذهبی (سنت)، اقتدار، مطلوبیت و یا کاربرد خود را از دست داده‌اند و نقش این عوامل در حال کمرنگ شدن است (ن.ک: دورکیم، ۱۳۷۸) و از طرف دیگر، قواعد عرفی حاصل از تقسیم کار پیشرفته که عامل انسجام دنیای مدرن هستند و بر مبنای پیش فرض‌های جامعه مدرن ساخته شده‌اند، هنوز جایگاه خود را به درستی نیافته‌اند (ن.ک: دورکیم، ۱۳۸۵).

با توجه به این تعریف از آنومی (فارغ از دلایل ساختاری آن)، می‌توان آن را یکی از عوامل مؤثر بر میزان قانون‌گرایی در نظام اداری کشور ما قلمداد کرد. در توضیح باید گفت که نظام اداری (سازمان) از دستاوردهای جامعه مدرن است و کارکرد مطلوب آن منوط به رعایت قواعد دنیای مدرن در اداره آن است. عام‌گرایی، تخصص‌گرایی، قانون‌گرایی و... از جمله این قواعد است که باید از سوی کارکنان هر اداره در هر سطح سازمانی رعایت شوند. اما کارکنان نظام اداری ما به دلیل اینکه بخشی از ارزش‌های آنان هنوز ریشه در

سنت دارد و هنوز قواعد عرفی (بدون عوامل باز دارنده بیرونی) برای آنها الزام آور و واجد ارزش نیستند، خود را ملزم به رعایت هنجارهای عرفی مدرن نمی بینند. بنابراین بسیاری از رفتارهای قانون گریزانه با اینکه مصداق تخطی از قواعد و ارزش های عرفی به شمار می روند، به دلیل آنکه در قواعد سنتی از آن نهی نشده یا حتی به آن تشویق می شود، برای یک فرد شاغل در نظام اداری، عملی عادی و مشروع جلوه می کند. از سوی دیگر درونی نشدن ارزش های سازمان در فرد، او را به عنصری خودخواه و خودمدار تبدیل می کند که فقط در جهت ارضای تمایلات شخصی خویش گام برمی دارد و التزامی به قوانین سازمانی ندارد.

رواج پدیده هایی مثل رابطه گرایی و نیز اهمال در انجام وظایف قانونی واصطلاحاً «از زیر کار در رفتن» را می توان معلول این عامل دانست.

مرتون نیز در توضیح علل ساختاری همنوایی (در اینجا قانون گرایی) و ناهمنوایی (در اینجا قانون گریزی) به وجود یا عدم وجود شکاف میان اهداف مقبول اجتماعی (برای فرد) و وسایل مشروع دستیابی به آنها اشاره می کند (اورو، ۱۹۸۷: ۳-۱۲۲. هایدنسون، ۱۹۸۹: ۴۴). به نظر مرتون اگر افراد در برآوردن اهداف خود از راه های مشروع ناکام شوند، برای دستیابی به این اهداف روی به رفتارهای ناهمنوایانه (مثل قانون گریزی) خواهند آورد (کلینارد، ۱۹۷۴: ۱۱۲). او این شکل ناهمنوایی را نوآوری یا بدعت نام می نهد و آن را حالتی می داند که فرد اهداف پذیرفته شده جامعه را قبول دارد ولی راه های دسترسی به آنها برای وی میسر و یا قابل قبول نیستند (مرتن، ۱۹۶۸: ۵۱۶).

مثلاً کارمندی که هدف کسب موفقیت های مالی یا شغلی را برای خود برگزیده است اما چنین می پندارد که از طریق انجام وظیفه و تن دادن به موازین قانونی به این اهداف دست نخواهد یافت؛ احتمالاً سعی می کند که از طریق دور زدن ساز و کارهای قانونی و نادیده گرفتن و تخطی از آنها به موفقیت های مورد انتظار مالی و شغلی خویش دست یابد. این نظریه به خصوص در تبیین آن دسته از رفتارهای غیر قانونی در نظام اداری که سرشتی مالی و پولی دارند به کار می آید.

مطابق نظریه انتخاب عقلانی، کنشگران برای کنش، راهی را بر می گزینند که کم

هزینه‌تر و پر سودتر باشد (لیتل، ۱۳۷۳: ۶۴). نحوه محاسبه سود و زیان هر کنش، بستگی به دایره ارزش‌ها و نظام ترجیحات هر فرد دارد (برت، ۱۹۹۸: ۱۵۵. کرایب، ۱۳۷۸: ۹۲). اگر برای فردی که در یک نظام اداری کار می‌کند، کسب موفقیت‌های مادی بیشتر در اولویت نظام ترجیحاتش باشد و به دلیل وجود نظام پاداش‌دهی مناسب در برابر پایبندی به قانون در انجام وظایف، فرد بتواند از طریق رفتار بهنجار و بدون زیر پا گذاشتن معیارهای قانونی به این موفقیت برسد و از سوی دیگر وجود سیستم نظارتی کارآمد و قوی هزینه‌های قانون شکنی را افزایش دهد، تمایل فرد به رعایت قانون افزایش می‌یابد. اما اگر به دلیل ضعف نظارت و نیز عدم وجود سیستم کارآمد پاداش و تنبیه در برابر رفتارهای قانونی - غیر قانونی، زیر پا گذاشتن قانون، راه بهتر و سهل‌الوصول‌تری برای رسیدن فرد به هدفش باشد، تمایل وی به رعایت قانون کاهش خواهد یافت.

در حالتی دیگر، اگر در نظام ترجیحات فرد، کسب موفقیت‌های مالی بیشتر در اولویت نباشد یا علی‌رغم در اولویت بودن این هدف، دسترسی به راه‌های غیر قانونی برای کسب آن میسر نباشد، در صورت ضعف سیستم نظارتی، راه کم هزینه‌تر برای فرد در دستیابی به پاداش‌های قانونی، شانه خالی کردن از انجام وظایف محوله (که انجام آن هزینه به شمار می‌رود) خواهد بود. به بیان روشن‌تر اگر فرد دریابد که با اهمال در انجام وظایف نیز پاداش‌های معمول و قانونی را دریافت می‌کند، تلاش او برای انجام وظایف قانونی کم خواهد شد و به همین دلیل تمایل وی به رعایت قانون (در اینجا انجام صحیح وظایف سازمانی) کاهش می‌یابد. این نظریه علاوه بر تبیین موارد قانون‌گریزی که به آنها اشاره شد، مواردی مثل کم‌کاری، کاهش ساعت کار مفید، انجام کارهای خارج از عرف در ساعات اداری و نظایر آنها را تبیین می‌کند.

از نظر تیلور همه مردم فقط به خاطر وجود سیستم‌های جزا و پاداش و محاسبه سود و زیان کنش، قانون را رعایت نمی‌کنند بلکه عامل مهم‌تر در این زمینه (قانون‌گرایی)، مشروعیت سیستم و نظامی است که قوانین در آن ساخته و اجرا می‌شوند و به همین دلیل است که بسیاری از مردم قانون را رعایت می‌کنند در حالی که ممکن است سودی برایشان نداشته باشد و حتی در مواردی به ضرر آنها باشد (تیلور، ۲۰۰۲: ۷۹. تیلور، ۲۰۰۱: ۳۳).

برای تطبیق نظریه تیلور با موضوع تحقیق می‌توان گفت یکی از عوامل مهم قانون‌گرایی در نظام اداری، میزان مشروعیت نظام قانون‌گذاری و اجرا بین کارکنان است که این امر خود ناشی از شاخص دیگری به نام عدالت رویه‌ای است. عدالت رویه‌ای که آن را با سه متغیر اعتبار، اعتماد و بی‌طرفی می‌سنجند، باعث می‌شود کارکنان نظام اداری - حتی در غیاب یا ضعف سیستم نظارتی - نسبت به رعایت قانون ملزم باشند. از سوی دیگر عواملی مثل احساس تبعیض و بی‌عدالتی، وجود سیستم جزا و پاداش، خویشاوند سالاری و رابطه مداری بر میزان سه متغیر یاد شده و در پی آن بر شاخص عدالت رویه‌ای و به تبع آن مشروعیت نظام قانونی تأثیر می‌گذارند (تیلور و فاگان، ۲۰۰۸: ۲۳۵-۲۳۳. تیلور و دارلی، ۲۰۰۰: ۷۱۷-۷۱۱).

با توجه به این نظریه می‌توان انواعی از قانون‌گرایی را که از آنها به عنوان «قانون‌گرایی اعتراضی» یاد می‌شود تبیین کرد. به عبارت دیگر اگر میزان مشروعیت نظام قانون‌گذاری و اجرا (نظام سیاسی) برای فرد بالا باشد (فارغ از سود و زیان) تمایل وی به رعایت قانون افزایش می‌یابد و بالعکس اگر مشروعیت تضعیف شود (باز هم فارغ از سود و زیان کنش) فرد تمایلی به رعایت قانون نداشته و حتی در صورت نبود سیستم نظارت کارآمد، وی برای نشان دادن اعتراض به این عدم مشروعیت، دست به قانون‌گرایی خواهد زد.

روش تحقیق

روش تحقیق، راه یا شیوه‌ای است که تعیین می‌کند چگونه یک گزاره علمی در تحقیق، مورد تأیید یا ابطال قرار می‌گیرد. یا اینکه می‌توان گفت روش یک تحقیق «چارچوب عملیات یا اقدامات جست‌وجوگرانه برای تحقیق هدف پژوهش، جهت آزمودن فرضیه یا پاسخ دادن به سؤال‌های تحقیق را فراهم می‌آورد» (سرمد و دیگران، ۱۳۷۹: ۲۲). بر این اساس برای دستیابی به اهداف تحقیق از روش پیمایش استفاده شده است.

پیمایش، روشی در تحقیق اجتماعی است که بیکر آن را چنین تعریف می‌کند: توصیفی است از نگرش و رفتار جمعیتی بر اساس انتخاب نمونه‌ای تصادفی و معرف افراد آن جمعیت و پاسخ آنها به یک رشته سؤال. به بیان دیگر روش پیمایش که عام‌ترین نوع

روش در تحقیقات اجتماعی به شمار می‌آید، روشی برای گردآوری داده‌ها است که در آن از گروه‌های معینی از افراد خواسته می‌شود به تعدادی پرسش مشخص، پاسخ دهند. این پاسخ‌ها مجموعه اطلاعات تحقیق را تشکیل می‌دهند (بیکر، ۱۳۷۷: ۱۹۶). در تحقیقات پیمایشی علاوه بر توصیف، به تبیین پدیده‌ها نیز می‌توان پرداخت؛ به این صورت که فرضیه‌هایی ساخته شده و سپس به آزمون کشیده می‌شوند (دواس، ۱۳۸۱: ۲۱). در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق را «کلیه ادارات دولتی دو شهر تهران و مشهد» تشکیل داده‌اند. در این تحقیق ابتدا با استفاده از «نمونه‌گیری قضاوتی»^۱ یا «تعمدی»^۲، از میان ادارات دولتی کشور تعدادی به عنوان نمونه انتخاب شدند^۳. سپس از آنجا که فهرست دقیقی از تعداد کارکنان ادارات انتخاب شده نداشتیم، به ناچار شیوه نمونه‌گیری غیراحتمالی را به کار بردیم. به این منظور با استفاده از نمونه‌گیری سهمیه‌ای^۴ از میان کارکنان ادارات فوق، تعدادی را بر حسب رده سازمانی انتخاب کردیم. در نهایت جمع‌آوری اطلاعات در ۴۹ اداره دولتی صورت گرفت و تعداد ۱۲۳۸ نفر از کارمندان تهران و مشهد به عنوان نمونه در این تحقیق انتخاب شدند.

فرضیات پژوهش

بر مبنای چارچوب نظری این پژوهش، یافته‌های پژوهش‌های پیشین و در نهایت تجربه و مشاهده روزمره محققان، فرضیات پژوهش حاضر را می‌توان به شرح زیر صورت‌بندی کرد:

1 Judgement Sampling

2 Purposive

۳ فکر اساسی که در پس نمونه‌گیری قضاوتی یا تعمدی قرار دارد این است که محقق بر اساس دانش و قضاوت صحیح و اتخاذ استراتژی مناسب می‌تواند مواردی را برگزیند که در مجموع معرف جمعیت مورد نظر باشد. یک استراتژی عمومی در نمونه‌گیری قضاوتی، انتخاب سنجیده واحدها - معمولاً واحدهای مجتمع - به طریقی است که هر یک معرف بخشی از جمعیت باشد. ۴ در نمونه‌گیری سهمیه‌ای (quota sampling) سعی می‌شود ساختار نمونه، مشابه ساختار جمعیت باشد. سپس برای مؤلفه‌های این ساختار (طبقات) سهمیه‌هایی متناسب با حجم آنها در نظر گرفته می‌شود. ترکیب مزبور، معمولاً در تکالیف واگذار شده به پرسشگران هم رعایت می‌شود، ولی انتخاب واحدها در نمونه‌گیری سهمیه‌ای، در چارچوب تکالیف تعیین شده، بر عهده پرسشگر است. از این رو، نمونه‌گیری سهمیه‌ای در مقوله نمونه‌گیری‌های غیراحتمالی قرار می‌گیرد.

۱. به نظر می‌رسد بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، تحصیلات و قومیت) با میزان قانون‌گرایی افراد رابطه معناداری وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی (SES) خانواده افراد و میزان قانون‌گرایی پاسخگویان رابطه معناداری وجود دارد.
۳. هر چه قواعد سازمانی برای فرد الزام‌آورتر باشد، میزان قانون‌گرایی وی بیشتر است.
۴. هر چه فردگرایی فرد بیشتر باشد، میزان قانون‌گرایی وی کمتر است.
۵. هر چقدر شکاف میان وسیله و هدف نزد فرد بیشتر شود، میزان قانون‌گرایی او کاهش می‌یابد.
۶. هر چه فرد بیشتر احساس کند که سیستم نظارتی سازمان ضعیف‌تر است، میزان قانون‌گرایی وی کمتر می‌شود.
۷. هر چه احساس عدالت رویه‌ای در فرد بیشتر باشد، میزان قانون‌گرایی وی بیشتر است.
۸. هر چه رضایت سیاسی نزد فرد بالاتر باشد، میزان قانون‌گرایی وی بیشتر است.

نتایج توصیفی

بر اساس نتایج توصیفی می‌توان دریافت که بیش از ۶۳ درصد پاسخگویان، مرد و حدود ۳۷ درصدشان زن بوده‌اند. حدود ۲۱ درصد پاسخگویان بین ۲۰ تا ۲۹ ساله، حدود ۴۴ درصد بین ۳۰ تا ۳۹ ساله، حدود ۲۶ درصد بین ۴۰ تا ۴۹ ساله، بیش از ۹ درصد بین ۵۰ تا ۵۹ ساله و حدود ۰٫۵ درصد ۶۰ ساله و بیشتر بوده‌اند. میانگین سن پاسخگویان حدود ۳۶٫۸ سال با انحراف معیار ۸٫۲ سال بوده است.

بر اساس اطلاعات این تحقیق، بیش از ۱۸ درصد پاسخگویان مجرد، حدود ۸۱ درصدشان متأهل و یک درصدشان نیز بدون همسر بوده‌اند. حدود یک درصد پاسخگویان بی‌سواد بوده یا در سطح ابتدایی تحصیلات داشتند، ۱٫۷ درصد در سطح راهنمایی و دبیرستان، ۱۳٫۲ درصد در سطح دیپلم، ۲۱٫۲ درصد در سطح فوق دیپلم یا دانشجو، ۵۱٫۴

درصد لیسانس و ۱۱,۷ درصد در سطح فوق لیسانس و بالاتر تحصیلات داشته‌اند. زبان مادری حدود ۸۷,۵ درصد پاسخگویان، فارسی و حدود ۱۲ درصد سایر زبان‌ها بوده است. وضعیت مالکیت مسکن ۵۴,۲ درصد پاسخگویان شخصی، ۳,۲ درصدشان سازمانی، ۱۱,۳ درصد رهنی و ۳۱,۴ درصد اجاره‌ای بوده است. از بین پاسخگویان ۸۲,۶ درصدشان این مخارج را اعلام کرده‌اند که از این تعداد ۷,۲ درصد پاسخگویان مخارج ماهیانه خانواده‌شان را کمتر از ۳۵۰ هزار تومان، ۲۰,۴ درصدشان بین ۳۵۰ تا ۵۵۰ هزار تومان، ۲۰,۲ درصد بین ۵۵۰ تا ۸۰۰ هزار تومان، ۱۵,۲ درصد بین ۸۰۰ تا یک میلیون تومان و ۳۷,۱ درصد بالای یک میلیون تومان اعلام کرده‌اند.

از این پس به گزارش توصیفی شاخص‌های تحقیق می‌پردازیم. شاخص اولویت مسائل مادی در نظام ترجیحات، در قالب یک مقیاس نشان می‌دهد که مسائل مادی در نظام ترجیحات ۲,۲ درصد از پاسخگویان به میزان کم، ۶۹,۷ درصد به میزان متوسط و بیش از ۲۸ درصد به میزان زیاد نقش دارد. مفهوم فردگرایی نیز در قالب یک مقیاس نشان می‌دهد که ۲۳,۶ درصد پاسخگویان به میزان کم، ۴۱,۶ درصد به میزان متوسط و ۳۴,۸ درصد به میزان زیاد فردگرا بوده‌اند. در شاخص احساس ضعف نظارت سازمانی هم ۲۳,۶ درصد پاسخگویان به میزان کم، ۴۱,۶ درصد به میزان متوسط و ۳۴,۸ درصد زیاد ضعف نظارت سازمانی را احساس می‌کردند. شاخص اعتماد در قالب یک مقیاس نشان می‌دهد که اعتماد ۳۲,۴ درصد پاسخگویان به میزان کم، ۶۱,۲ درصد به میزان متوسط و ۶,۴ درصد به میزان زیاد بوده است. در باب مفهوم احساس تبعیض می‌توان دید که ۳,۹ درصد پاسخگویان به میزان کم، ۱۹,۵ درصد به میزان متوسط و ۷۶,۶ درصد به میزان زیاد احساس تبعیض می‌کردند. وضعیت پاسخگویان درباره شاخص احساس کارآمدی سیستم پاداش و تنبیه، نشان می‌دهد که ۴۲ درصد پاسخگویان به میزان کم، ۵۳ درصد به میزان متوسط و ۵ درصد به میزان زیاد از سیستم پاداش و تنبیه احساس کارآمدی می‌کردند. شاخص احساس رابطه مداری در قالب یک مقیاس نشان می‌دهد که ۴,۶ درصد پاسخگویان به میزان کم، ۵۴,۱ درصد به میزان متوسط و ۴۱,۳ درصد به میزان زیاد در نظام اداری احساس رابطه مداری می‌کردند. در شاخص عدم موفقیت مادی در صورت

رعایت قانون مشاهده شد که ۲۲٫۶ درصد پاسخگویان به میزان کم، ۵۷٫۲ درصد به میزان متوسط و ۲۰٫۲ درصد به میزان زیاد به عدم موفقیت مادی در صورت رعایت قانون معتقد بودند. مفهوم الزام‌آور بودن قواعد سازمانی که از هشت گویه ساخته شده است در قالب یک مقیاس نشان می‌دهد که ۲ درصد پاسخگویان به میزان کم، ۵۷٫۶ درصد به میزان متوسط و ۴۰٫۳ درصد به میزان زیاد، قواعد سازمانی را الزام‌آور می‌دانستند. در باب شاخص احساس خویشاوندسالاری می‌توان گفت که ۹٫۳ درصد پاسخگویان به میزان کم، ۵۱٫۱ درصد به میزان متوسط و ۳۹٫۶ درصد به میزان زیاد احساس خویشاوندسالاری می‌کردند. اما در نتایج رضایت سیاسی مشاهده می‌کنیم که ۲۹٫۱ درصد پاسخگویان به میزان کم، ۶۱٫۱ درصد به میزان متوسط و ۹٫۸ درصد به میزان زیاد از رضایت سیاسی برخوردار بودند.

در ادامه نگاهی به نتایج توصیفی متغیر اصلی تحقیق یعنی قانون‌گرایی می‌اندازیم. مفهوم قانون‌گرایی در سه جزء شناختی، رفتاری و عاطفی مورد سنجش قرار گرفته است. پس از بررسی این اجزا به مفهوم قانون‌گرایی خواهیم پرداخت.

مفهوم قانون‌گرایی در جزء‌شناختی، از پنج گویه ساخته شده است. ترکیب گویه‌های مذکور در قالب یک مقیاس نشان می‌دهد که ۷٫۸ درصد پاسخ‌گویان به میزان کم، ۶۹٫۹ درصد به میزان متوسط و ۲۲٫۳ درصد به میزان زیاد از نظر شناختی از قانون‌گرایی برخوردار بودند. مفهوم قانون‌گرایی در جزء رفتاری از ده گویه ساخته شده است. ترکیب گویه‌های در قالب یک مقیاس نشان می‌دهد که ۰٫۳ درصد پاسخگویان به میزان کم، ۳۹ درصد به میزان متوسط و ۶۰٫۷ درصد به میزان زیاد از نظر رفتاری از قانون‌گرایی برخوردار بودند. مفهوم قانون‌گرایی در جزء عاطفی از یازده گویه ساخته شده است. ترکیب گویه‌های در قالب یک مقیاس نشان می‌دهد که ۰٫۵ درصد پاسخگویان به میزان کم، ۴۳٫۶ درصد به میزان متوسط و ۵۵٫۹ درصد به میزان زیاد از نظر عاطفی از قانون‌گرایی برخوردار بودند.

به طور کلی می‌توان گفت کارمندان اداره راه‌آهن با میانگین نمره قانون‌گرایی ۷۰٫۷۷، قانون‌گراترین کارمندان در این تحقیق بوده‌اند. پس از این اداره، اداره صنایع و معادن، اداره تعزیرات حکومتی و سازمان حج و زیارت نسبت به دیگر ادارات کارمندان قانون‌گراتری داشته‌اند.

تحلیل چند متغیره

در این بخش به منظور مشخص شدن سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به تحلیل رگرسیونی^۱ و تحلیل مسیر^۲ داده‌ها می‌پردازیم. در تحلیل رگرسیونی چند متغیره، سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته بدون لحاظ کردن تقدم و تأخر در بین آنها مشخص می‌شود. همچنین از طریق تحلیل مسیر، سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته با لحاظ کردن تقدم و تأخر در بین آنها تعیین می‌شود.

تحلیل و پردازش مدل از طریق رگرسیون چند متغیره

معادله کلی رگرسیون چند متغیره به صورت ذیل نمایش داده می‌شود:

$$Y = \beta_0 X_{0i} + \beta_1 X_{1i} + \beta_2 X_{2i} + \dots + \beta_k X_{ki} + E_i$$

برای تشریح و تحلیل رگرسیون چند متغیره و دستیابی به مدل رگرسیونی و تحلیل مسیر تبیین قانون‌گرایی، ابتدا باید متغیرهایی را مشخص کرد که قرار است وارد معادله رگرسیونی شوند. به همین دلیل تمامی متغیرهای مستقل به روش مرحله‌ای (Stepwise) انتخاب شده و در یک دستور رگرسیونی برای دستیابی به معادله نهایی، مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

قانون‌گرایی به عنوان متغیر وابسته

جدول (۱) مدل رگرسیونی چند متغیره را برای تبیین قانون‌گرایی نشان می‌دهد. همچنین جدول (۲) شاخص‌ها و آماره‌های تحلیل رگرسیونی را مشخص می‌کند:

1 Analysis Regression

2 Analysis Path

جدول (۱): مدل رگرسیون چند متغیره برای تبیین قانون گرای

متغیرهایی که وارد معادله شده‌اند					
Sig	مقدار t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		متغیرها
		Beta	خطای استاندارد	B	
۰.۰۰۰	۱۵.۳۰۸	۰.۳۷۰	۰.۰۱۶	۰.۲۴۹	الزام آور بودن قواعد سازمانی
۰.۰۰۰	۸.۵۹۳	۰.۲۵۹	۰.۰۱۶	۰.۱۴۰	اعتماد
۰.۰۰۰	۸.۹۹۸	۰.۲۱۰	۰.۰۱۹	۰.۱۷۳	اولویت مسائل مادی در نظام ترجیحات
۰.۰۰۰	-۶.۱۵۷	-۰.۱۹۰	۰.۰۱۷	-۰.۱۰۵	احساس رابطه مداری
۰.۰۰۰	-۴.۰۴۰	-۰.۱۵۴	۰.۰۲۱	-۰.۰۸۵	احساس کارآمدی سیستم پاداش و تنبیه
۰.۰۰۰	-۴.۴۵۹	-۰.۱۴۶	۰.۰۱۸	-۰.۰۸۰	عدم موفقیت مادی در صورت رعایت قانون
۰.۰۰۳	۲.۹۶۵	۰.۰۷۷	۰.۰۱۱	۰.۰۳۴	فردگرایی
۰.۰۳۲	-۲.۱۵۰	-۰.۰۶۹	۰.۰۱۷	-۰.۰۳۷	احساس تبعیض
۰.۰۰۰	۱۷.۳۹۹	---	۲.۸۴۹	۴۹.۵۷۰	مقدار ثابت

جدول (۲): شاخص‌ها و آماره‌های تحلیل رگرسیونی برای تبیین قانون گرای

۰.۶۰۳	ضریب همبستگی چندگانه
۰.۳۶۴	ضریب تعیین
۰.۳۶۰	ضریب تعیین تعدیل شده
۸.۵۰۲	خطای استاندارد

همان گونه که در جدول (۲) ملاحظه می‌شود، ضریب همبستگی چندگانه^۱ $M.R=0.603$ ، ضریب تعیین^۲ مساوی $R^2=0.364$ است و ضریب تعیین تعدیل شده برابر 0.360 و بیانگر این مطلب است که تقریباً ۳۶ درصد از واریانس و تغییرات قانون‌گرایی توسط متغیرهای موجود در معادله تبیین می‌شود. با توجه به اینکه در تحلیل رگرسیونی فوق از روش «Stepwise» استفاده شده است، ابتدا متغیری که بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی را دارد، وارد معادله رگرسیونی می‌شود و سپس بعد از این متغیر، متغیرهای دیگری که دارای بیشترین تأثیر بر روی متغیر وابسته باشند وارد معادله می‌شوند. آماره‌های موجود در جدول (۱) گویای این واقعیت است که متغیر الزام‌آور بودن قواعد سازمانی با بتای 0.370 بیشتر از همه متغیرهای مستقل دیگر به طور مستقیم بر قانون‌گرایی تأثیر می‌گذارد. جهت تأثیر این متغیر نیز مثبت و مستقیم بوده و بیانگر این مطلب است که با افزایش الزامات قواعد سازمانی، میزان قانون‌گرایی نیز افزایش پیدا می‌کند. بعد از متغیر الزام‌آور بودن قواعد سازمانی، متغیرهای اعتماد، اولویت مسائل مادی در نظام ترجیحات و احساس رابطه مداری به ترتیب با بتای 0.259 ، 0.210 و 0.190 بیشترین تأثیر معنادار را بر قانون‌گرایی دارند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی چندگانه متغیرهای فوق را می‌توان به صورت استاندارد شده و به شکل ریاضی چنین نوشت:

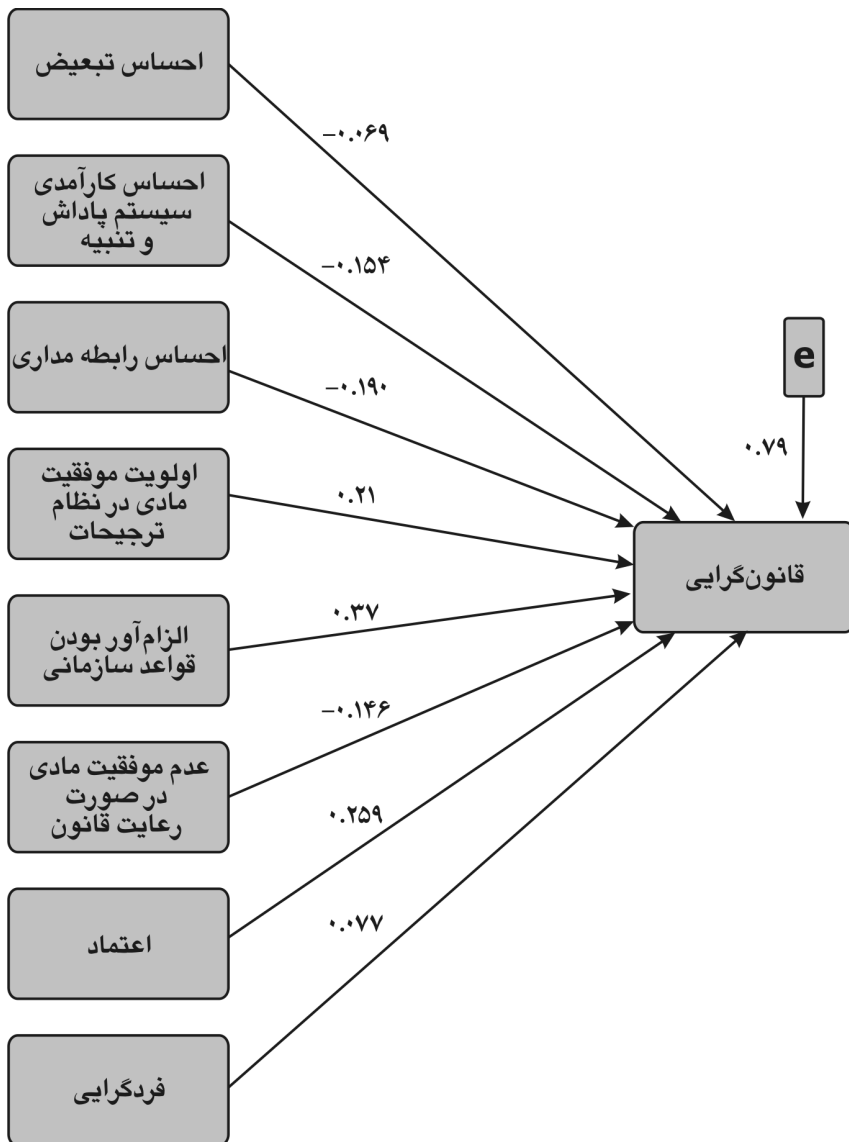
$$Y = \beta_1 Z_{1i} + \beta_2 Z_{2i} + \dots + \beta_k Z_{ki} + E_i$$

قانون‌گرایی = (0.370) الزام‌آور بودن قواعد سازمانی + (0.259) اعتماد + (0.210) اولویت مسائل مادی در نظام ترجیحات - (0.190) احساس رابطه مداری - (0.154) احساس کارآمدی سیستم پاداش و تنبیه - (0.146) عدم موفقیت مادی در صورت رعایت قانون + (0.077) (فردگرایی) - (0.069) احساس تبعیض + (0.0798) .

بنابراین شکل (۱) دیاگرام مدل علی مربوط به عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی را بر حسب

میزان تأثیر (بتا) نشان می‌دهد:

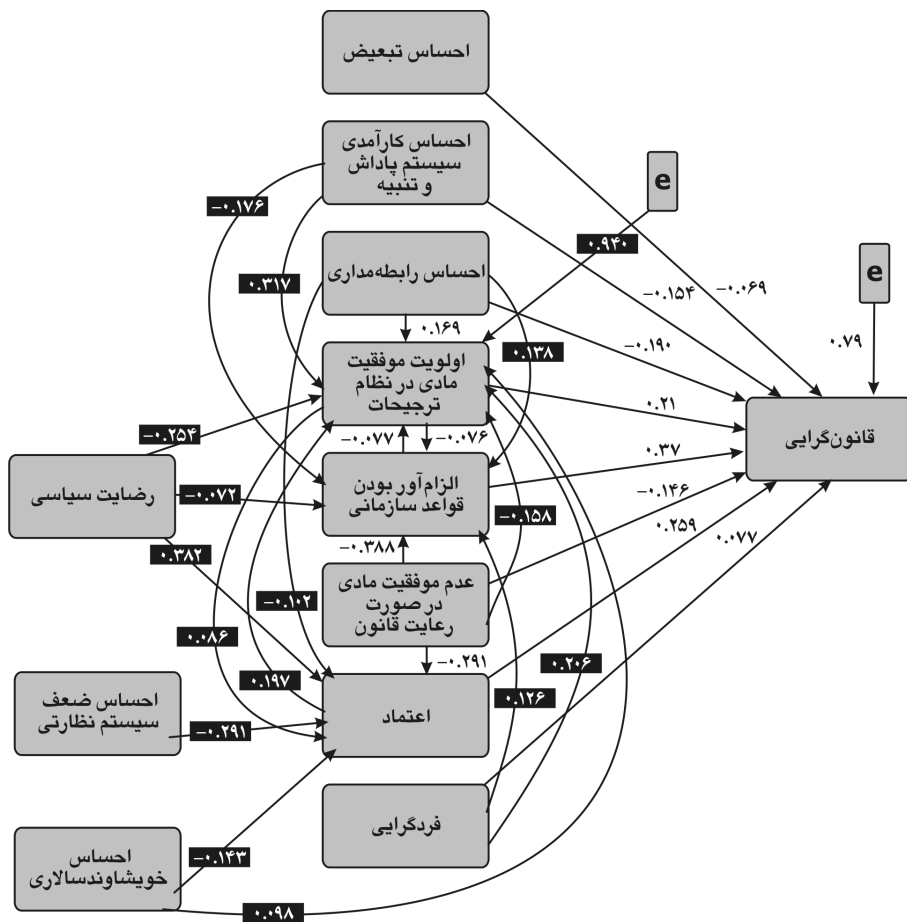
شکل (۱). دیاگرام علی مربوط به عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی



تحلیل و پردازش مدل از طریق تحلیل مسیر

برای تحلیل و پردازش مدل از طریق تحلیل مسیر، یک مدل رگرسیونی تشکیل می‌دهیم که در آن مؤثرترین متغیر مستقل (الزام آور بودن قواعد سازمانی) در مدل، به عنوان متغیر وابسته و سایر متغیرهای مستقل به عنوان متغیرهای مستقل مدل رگرسیونی جدید وارد مدل می‌شوند. به همین ترتیب در مرحله بعد دومین متغیری را که بیشترین تأثیر را در مدل اولیه بر قانون‌گرایی داشته (اعتماد) به عنوان متغیر وابسته قرار داده و سایر متغیرهای مستقل را نیز به عنوان متغیر مستقل معادله در نظر گرفته و وارد مدل می‌کنیم. مراحل را به همین ترتیب با لحاظ کردن دیگر متغیرهای مستقلی که در مدل اولیه بر قانون‌گرایی مؤثر بوده‌اند، به نوبت به عنوان متغیر وابسته در مدل ادامه می‌دهیم تا به دیاگرام مسیر مورد نظر برسیم. بنابراین شکل (۲) دیاگرام مدل مسیر مربوط به عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی را بر حسب میزان تأثیر (بتا) نشان می‌دهد:

شکل (۲). دیاگرام مدل علی مسیر مربوط به عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی



اکنون با در اختیار داشتن مدل علی فوق می‌توانیم اثرات مستقیم، غیرمستقیم و نیز اثرات کل متغیرهای مستقل مؤثر بر قانون‌گرایی را مشخص کنیم. نتایج تأثیرات به قرار زیر است:

جدول (۳): میزان اثر متغیرهای مستقل بر متغیر قانون گرایی

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
الزام آور بودن قواعد سازمانی	۰,۳۷۰	-۰,۰۱۶	۰,۳۵۴
عدم موفقیت مادی در صورت رعایت قانون	-۰,۱۴۶	-۰,۱۹۲	-۰,۳۳۸
اعتماد	۰,۲۵۹	۰,۰۴۱	۰,۲۶۰
اولویت مسائل مادی در نظام ترجیحات	۰,۲۱۰	-۰,۰۰۶	۰,۲۰۹
احساس رابطه مداری	-۰,۱۹۰	۰,۰۲۲	-۰,۱۶۸
احساس کارآمدی سیستم پاداش و تنبیه	-۰,۱۵۴	۰,۰۰۴	-۰,۱۵۰
احساس ضعف سیستم نظارتی	ندارد	-۰,۰۷۶	-۰,۰۷۶
فردگرایی	۰,۰۷۷	-۰,۰۰۲	۰,۰۷۵
احساس تبعیض	-۰,۰۶۹	ندارد	-۰,۰۶۹
رضایت سیاسی	ندارد	۰,۰۲۱	۰,۰۲۱
احساس خویشاوندسالاری	ندارد	-۰,۰۱۷	-۰,۰۱۷

بر اساس اطلاعات جدول فوق می‌توان دریافت که «الزام آور بودن قواعد سازمانی برای افراد» با اثر کل ۰,۳۵۴ مؤثرترین متغیر تأثیرگذار بر میزان قانون گرایی آنان بوده است؛ بدین معنا که هر چه قواعد سازمانی الزام آورتر باشد، قانون گرایی افراد بیشتر خواهد بود. بعد از این متغیر، «عدم موفقیت مادی در صورت رعایت قانون» با اثر کل -۰,۳۳۸ - رتبه دوم و «اعتماد» با اثر کل ۰,۲۶۰ در رتبه سوم مؤثرترین متغیرها قرار دارند. متغیرهایی چون «اولویت مسائل مادی در نظام ترجیحات»، «احساس رابطه مداری» و «احساس کارآمدی سیستم پاداش و تنبیه» به ترتیب در مراتب بعدی اثرگذارترین متغیرها بر قانون گرایی قرار دارند. متغیر «احساس خویشاوندسالاری» نیز با اثر کل -۰,۰۱۷ - کم اثرترین متغیر بر قانون گرایی بوده است.

نتیجه‌گیری

یکی از عوامل پیشرفت جوامع توسعه یافته وجود قوانین مدون، شفاف و صریح است؛ به گونه‌ای که اگر قوانین گنگ، نارسا و در هم‌پیچیده باشند و هر کدام دیگری را نقض کنند، نمی‌توان امیدوار بود که چنین قوانینی در هیچ یک از حوزه‌های اجتماع گره از مشکل فردی یا حتی خود نظام اداری باز کنند و ترقی و پیشرفت را به همراه آورند. اینکه انسان‌های بی‌شماری در یک مسیر تعریف شده گام برداشته و امور روزمره خود را انجام می‌دهند، خود متأثر از وجود قانون در جامعه است.

نهادمند شدن روابط در جامعه و یا به نوعی تحقق حاکمیت قانون در جامعه از شاخصه‌های جوامع توسعه یافته و از اهداف عمده توسعه سیاسی است. از این رو هنگامی که از حاکمیت قانون در جامعه، به معنای کلی آن، سخن به میان می‌آید، منظور حاکمیت ضوابط و اصولی است که از سطح خرد (فردی) تا سطح کلان (دولت و حکومت) جریان دارد؛ به بیان دیگر، شکل‌گیری و نهادینه شدن ساز و کارهایی برای حل منازعات و تنظیم روابط در درون ساخت جامعه.

مهمترین کارکرد قانون، تنظیم روابط میان دولت و شهروندان از طرفی و شهروندان با هم از سوی دیگر است. با پیچیده‌تر شدن دو نوع تعامل یادشده، نقش قانون و بالطبع مفهوم حاکمیت قانون، برجسته‌تر و قابل ملاحظه‌تر شده است.

جامعه ما تجربه ای صد ساله در امور قانون گذاری دارد ولی در طول همین زمان قانون‌گرایی را نیز تجربه کرده است. اینکه چرا ما ایرانیان با وجود توجه تاریخی به بحث قانون‌گرایی و قانون‌گذاری با این حجم گسترده از قانون‌گرایی مواجهه است، مسئله ای است که در حوزه روانشناسی اجتماعی و حقوق و سیاست و حتی اخلاق و دین قابل بحث و بررسی است.

طبق آمارهای بین‌المللی و همچنین تحقیقات داخلی میزان قانون‌گرایی در ایران پایین است (سازمان شفافیت، ۲۰۱۰، بانک جهانی، ۲۰۰۷، منوچهر محسنی، ۱۳۷۹، نظر سنجی صدا و سیما، ۱۳۷۴).

مسئولین کشور نیز به بیش از حد بودن قانون‌گرایی در دستگاه‌ها و نظام اداری ایران

اذعان دارند (پورمحمدی، ۱۳۸۷، لاریجانی، ۱۳۸۸، پورمحمدی، ۱۳۸۸) و آن را به عنوان یک آسیب مهم قلمداد می‌کنند (پورمحمدی ۱۳۸۸). به هر حال بحث قانون، قانون مداری و قانون‌گریزی یکی از دغدغه‌های مهم مردم و مسئولان هر کشوری است و کشور ما نیز از این قاعده مستثنا نیست.

آنچه که در سطور فوق آمد و حاکی از آمار نگران‌کننده میزان قانون‌گریزی در کشور و به تبع آن هشدار و اعلام نگرانی مسئولین ذیربط از ادامه وضع موجود است، ما را به این نکته رهنمون می‌سازند که: باید چاره‌ای اندیشید و سعی در تغییر وضع موجود به سوی وضع مطلوب کرد.

مقاله حاضر در صدد است ضمن سنجش میزان قانونگرایی در نظام اداری، به بررسی عوامل مؤثر بر میزان قانون‌گرایی (تمایل به رعایت قانون) در نظام اداری کشور بپردازد. برای این مهم ابتدا بر اساس نظریات دورکیم، مرتن، تیلور و نظریه انتخاب عقلانی به ساخت مدل نظری پژوهش پرداخته شد. بر اساس این مدل فرضیات تحقیق صورت بندی شد و سپس با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه به بررسی تجربی موضوع تحقیق پرداختیم.

بر اساس نتایج ملاحظه می‌شود، ضریب همبستگی چندگانه $M.R=0.603$ ، ضریب تعیین مساوی $R^2=0.364$ می‌باشد و ضریب تعیین تعدیل شده برابر 0.360 می‌باشد و بیانگر این مطلب است که تقریباً ۳۶ درصد از واریانس و تغییرات قانون‌گرایی توسط متغیرهای موجود در معادله تبیین می‌شود. با توجه به اینکه در تحلیل رگرسیونی فوق از روش (Stepwise) استفاده شده است، ابتدا متغیری که بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی را دارد وارد معادله رگرسیونی می‌شود و سپس بعد از این متغیر، متغیرهای دیگری که دارای بیشترین تأثیر بر روی متغیر وابسته باشند وارد معادله می‌شوند. آماره‌های موجود گویای این واقعیت است که متغیر «الزام‌آور بودن قواعد سازمانی» با بتای 0.370 بیشتر از همه متغیرهای مستقل دیگر بطور مستقیم بر قانون‌گرایی تأثیر می‌گذارد، جهت تأثیر این متغیر نیز مثبت و مستقیم است و بیانگر این مطلب است که با افزایش الزامات قواعد سازمانی، میزان قانون‌گرایی نیز افزایش پیدا می‌کند. بعد از متغیر الزام‌آور بودن قواعد سازمانی،

متغیرهای «اعتماد»، «اولویت مسائل مادی در نظام ترجیحات» و «احساس رابطه مداری» به ترتیب با بتای ۰,۲۵۹، ۰,۲۱۰ و -۰,۱۹۰ - بیشترین تأثیر معنادار را بر قانون‌گرایی دارند. برای تحلیل و پردازش مدل از طریق تحلیل مسیر یک مدل رگرسیونی تشکیل می‌دهیم که در آن مؤثرترین متغیر مستقل (الزام آور بودن قواعد سازمانی) در مدل به عنوان متغیر وابسته و سایر متغیرهای مستقل به عنوان متغیرهای مستقل مدل رگرسیونی جدید وارد مدل می‌شوند. به همین ترتیب در مرحله بعد دومین متغیری که بیشترین تأثیر را در مدل اولیه بر قانون‌گرایی داشته (اعتماد) را به عنوان متغیر وابسته قرار داده و سایر متغیرهای مستقل را نیز به عنوان متغیر مستقل معادله در نظر گرفته و وارد مدل می‌کنیم. مراحل را به همین ترتیب با لحاظ نمودن دیگر متغیرهای مستقلی که در مدل اولیه بر قانون‌گرایی مؤثر بوده‌اند به نوبت به عنوان متغیر وابسته در مدل ادامه می‌دهیم تا به دیاگرام مسیر مورد نظر برسیم.

نتایج نشان می‌دهد که «الزام آور بودن قواعد سازمانی برای افراد» با اثر کل ۰,۳۵۴ مؤثرترین متغیر تأثیرگذار بر میزان قانون‌گرایی آنان بوده است؛ بدین معنا که هر چه قواعد سازمانی الزام‌آورتر باشد، قانون‌گرایی افراد بیشتر خواهد بود. بعد از این متغیر، «عدم موفقیت مادی در صورت رعایت قانون» با اثر کل ۰,۳۳۸ - رتبه دوم و «اعتماد» با اثر کل ۰,۲۶۰ در رتبه سوم مؤثرترین متغیرها قرار دارند. متغیرهایی چون «اولویت مسائل مادی در نظام ترجیحات»، «احساس رابطه مداری»، «احساس کارآمدی سیستم پاداش و تنبیه» به ترتیب در مراتب بعدی اثرگذارترین متغیرها بر قانون‌گرایی قرار دارند. متغیر «احساس خویشاوندسالاری» با اثر کل ۰,۰۱۷ - کم‌اثرترین متغیر بر قانون‌گرایی بوده است.

منابع و مأخذ

ترنر، جاناتان و ال بیگلی (۱۳۷۰). پیدایش نظریه جامعه‌شناسی، ترجمه عبدالعلی لهسایی‌زاده، شیراز، چاپ فرهنگ.

چلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم، تهران، نی.

دورکیم، امیل (۱۳۶۰). فلسفه و جامعه‌شناسی، ترجمه فرحناز خمسه‌ای، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی.

_____ (۱۳۷۸). خودکشی، ترجمه نادر سالارزاده، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.

_____ (۱۳۸۵). تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران، نشر مرکز.

رضایی، محمد (۱۳۸۳). «میزان، نوع و عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی». طرح تحقیقاتی، مؤسسه فرهنگ، هنر و ارتباطات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

سایت سازمان بازرسی کل کشور : <http://www.gio.ir>

سایت سازمان شفافیت بین‌المللی : www.transparency.org

علیخواه، فردین (۱۳۸۲). نگاهی بر علل و عوامل قانون‌گریزی، اداره کل پژوهش‌های اجتماعی و سنجش برنامه‌ای مرکز تحقیقات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

عمرانی، احمد (۱۳۸۶). «بررسی تأثیر نظارت سازمان بازرسی کل کشور بر عملکرد یگان‌های انتظامی تهران بزرگ»، دانشگاه علوم انتظامی، به نقل از سایت سازمان بازرسی کل کشور
کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۶). فلسفه حقوق، جلد اول، تهران، به نشر، چاپ اول.

کرایب، یان (۱۳۷۸). نظریه اجتماعی مدرن: از پارسنز تا هابرماس، ترجمه عباس فجر، تهران، آگاه.

کلانتوری، صمد. ربانی، رسول. صداقت، کامران (۱۳۸۴). «ارتباط فقر با قانون‌گریزی و شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی، مجله رفاه اجتماعی، پاییز ۱۳۸۴، شماره ۱۸.
کلانتوری و دیگران، ۱۳۸۴؛

لیتل، دانیل (۱۳۷۳). تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران، انتشارات صراط.
محسنی، منوچهر (۱۳۷۸). بررسی گرایش به اطاعت از قانون در ایران در قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مرتین، رابرت (۱۳۷۶). مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه نوین تولایی، تهران، امیرکبیر.
نظرسنجی از مردم تهران درباره چگونگی رعایت قانون (۱۳۷۴ ب). مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

نظرسنجی از مردم تبریز درباره پایداری به نظم اجتماعی در تبریز (۱۳۶۹). صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مرکز تبریز.

نظرسنجی از مردم تهران درباره چگونگی رعایت قانون (۱۳۷۴ الف). مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

نظرسنجی از مردم تهران درباره رعایت قانون (۱۳۷۳). مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا

و سیمای جمهوری اسلامی ایران. نظرسنجی از مردم تهران درباره میزان قانون‌پذیری و چگونگی رعایت قانون (۱۳۷۷). مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. نظرسنجی از مردم تهران درباره میزان قانون‌پذیری و چگونگی رعایت قانون (۱۳۷۷). مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.

Baert, Patirck (1998). *Social Theory in the Twentieth Century*, Cambridge, Polity Press.

Clinard, Marshal(1974). *Sociology of Deviant Behavior*, Holt, Rinehart and Winston inc.

Heidenson, Frances (1989). *Crime and Society*, Macmillan Press LTD Horton Paul B. & Gerald

Merton, Robert (1971). *social structure and anomie*, in *mass society in crisis*, Bernard Rosenberg, Israel Gerver and William Howton, New Yourk, Macmillan Company.

Mestrovic, Stephan, G & Ronald. Lorenzo (2008). Durkheim concept of Anomie and the abuse at abu ghghraib, *Journal of classical society*, vol. 8. no. 2. pp: 179-207.

Orru, Marco (1987). *Anomia: History and Meanings*, Allen and Unwin Raad Earl & G. Selznick (1961). *Major Social Problems*, New York: Row Peterson and Company.

Rule, James (1997). *Theory and Progress in Social Science*, Cambridge, Polity Press.

Tyler, Tom. R & John. M. Darley (2000). Building a law – abiding society: taking public views about morality and the legitimacy of legal authority into account when formulatiing substantive law, *Hofstrat law Review*, vol, 28, pp: 707-739.

Tyler, Tom. R (2001). *Trust and law – abidingness: a proactive model of social regulation*, The Australian national university, research school of social regulation, The Australian national university, research school of social science, working paper, no. 16.

_____ (2006). *why people obey the law*, Princeton university press.